

باسمه تعالی

۱..... جواب شهید صدر به اشکالات حلی و نقضی مرحوم خویی

۲..... جواب به اشکالات نقضی

۳..... جواب به اشکال حلی مرحوم خویی

موضوع: تعارض امارتین / تعارض / تعادل و ترجیح

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در عدم تفکیک بین مدلول التزامی و مدلول مطابقی بود به این معنا که اگر خبری در مدلول مطابقی حجت نباشد، آیا می تواند در مدلول التزامی حجت باشد یا آنکه حجیت مدلول مطابقی و التزامی قابل تفکیک نیست و اگر مدلول مطابقی حجت نباشد، مدلول التزامی نیز حجت نخواهد بود.

مرحوم نائینی حجیت مدلول التزامی را تابع حجیت در مدلول مطابقی نمی داند ولذا حجیت مدلول التزامی هر دو خبر را در مدلول التزامی نسبت به نفی ثالث پذیرفته اند؛ زیرا محذور تعارض فقط در مدلول مطابقی وجود دارد.

البته که عموم مدلول التزامی هر دلیل نسبت به نفی مفاد دیگری حجت نیست و در آن مقدار از مدلول التزامی، معارض وجود دارد؛ ولی نسبت به نفی ثالث، تعارضی وجود ندارد پس عموم مدلول التزامی هر دو دلیل، نسبت به نفی ثالث حجت خواهد بود. مانند اینکه خبری دلالت بر وجوب و خبر دیگر دلالت بر استحباب دارد که در این صورت دلالت التزامی وجوب بر نفی استحباب به جهت معارضه منتفی است اما دلالت التزامی بر نفی کراهت و حرمت، در هر دو دلیل بدون معارض است و جاری می شود.

مرحوم خویی اشکالات نقضی و حلی به کلام محقق نائینی داشتند و دلالت التزامی را تابع دلالت مطابقی دانستند.

جواب شهید صدر به اشکالات حلی و نقضی مرحوم خویی ۱

شهید صدر هر چند که حجیت دلالت التزامی را تابع حجیت دلالت مطابقی می دانند؛ ولی به کلام مرحوم خویی در اشکالات نقضی و حلی به محقق نائینی جواب داده اند.

جواب به اشکالات نقضی

ایشان ابتداء جواب کلی به تمامی اشکالات نقضی می دهند و سپس نسبت به برخی موارد نیز بالخصوص اشکال می کنند.

جواب کلی به تمام نقض ها این است که مراد مرحوم نائینی در عدم تبعیت حجیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی این است مدلول التزامی در مواردی که دلالت بر مدلول التزامی و مطابقی وجود داشته باشد حجت است، در حالیکه نقضهایی که مطرح شده است، وجود دلالت التزامی، مصحح جعل حجیت برای مدلول مطابقی است و دلالت مستقلاً نیست پس دو دلالت وجود ندارد؛ و به همین جهت در مثالی که بینه بر ملاقات با خون شهادت داده بود و علم به کذب آن وجود داشت، مصحح جعل حجیت برای شهادت بینه به ملاقات با خون، نجاست ملاقی است؛ زیرا نجاست، اثر شرعی شهادت است و موجب تصحیح جعل می شود و اگر این اثر شرعی بر شهادت مترتب نشود، حجیت بینه در این موارد _ که بینه بر امر شرعی نیست و فقط شهادت به امر تکوینی قائم شده است _ لغو می شود. بنابر این نجاست آن شیء در مثالی که مرحوم خویی فرمودند لازمه مدلول مطابقی نیست؛ بلکه مصحح جعل حجیت آن است و به همین جهت است که اگر بینه بر ملاقات با خون، اعتقاد به نجاست خون نیز نداشته باشد، مدلول التزامی آن برای مشهود له ثابت می شود.

بنابر این آنچه در مدلول التزامی در کلام محقق نائینی معتبر است، ملازمه واقعی است مانند ملازمه آتش و حرارت، نه ملازمه شرعی که در این صورت دلالت التزامی نیست و فقط مصحح جعل برای مدلول مطابقی است.

در مثال ملکیت نیز ملکیت زید، ملازمه شرعی با نفی ملکیت از ذوالید دارد ولی ملازمه واقعی نیست پس نقض به محقق نائینی وارد نیست.

در مساله نفی ثالث به دو اماره اینگونه نیست و نفی ثالث به سبب هر دو اماره، ملازمه واقعی عقلی با وجود مدلول مطابقی دارد زیرا به حسب مبادی و غایت در جعل احکام، بین اثبات یک حکم شرعی و نفی دیگر احکام، ملازمه عقلی وجود دارد. اشکالی نیز به نقض سوم مرحوم خویی وارد است نقض ایشان این بود که شاهد واحدی به ملکیت زید و شاهد واحد دیگری به ملکیت عمرو شهادت داده اند که در این صورت لازمه کلام محقق نائینی اخذ مال از ذوالید است که قطعاً باطل است؛ ولی این نقض بر محقق نائینی وارد نیست؛ زیرا کلام محقق نائینی در مواردی است که مدلول مطابقی فی حد نفسه حجت باشد ولی صرفاً به جهت مانعی همانند تعارض، منتفی شده و تساقط کرده باشد در حالیکه در نقضی که مرحوم خویی مطرح فرموده اند مقتضی حجیت در هیچیک وجود نداشته است؛ زیرا شاهد واحد مقتضی حجیت را نداشته و لذا مدلول التزامی آن نیز حجت نمی شود.

بنابراین محقق نائینی، عدم متابعت حجیت مدلول التزامی از حجیت مدلول مطابقی را فقط در مواردی که حجیت مدلول مطابقی به جهت مانعی همانند تعارض ساقط شده باشند قائل است؛ ولی در مواردی که اقتضاء حجیت در مدلول مطابقی نباشد، مدلول التزامی نیز حجت نمی باشد.

جواب به اشکال حلی مرحوم خویی

مرحوم خویی فرموده اند: شهادت به مدلول التزامی به صورت مطلق نیست؛ بلکه شهادت به همان حصه ای از مدلول التزامی است که به سبب مدلول مطابقی موجود شده است به نحوی که اگر مدلول مطابقی مثل ملاقات با خون کاذب باشد دلالت التزامی بر نجاست نیز منتفی می شود.

شهید صدر در اشکال به این بیان می فرماید: گاهی وجود حصه ملازم، مقارن وجود ملزوم محقق می شود و گاهی وجود آن منوط به ملزوم نیست.

اگر حصه بودن چیزی، با قطع نظر از مقارنت با ملزوم شکل بگیرد؛ و ملزوم، تنها ماهیت خاصی به آن بدهد، در این صورت مدلول التزامی تابع مدلول مطابقی است؛ اما اگر آن حصه بعد از مقارنت با ملزوم شکل می گیرد، حجیت آن تابع مدلول التزامی نمی باشد.

مانند اینکه مقدمه با قطع نظر از وجوب ذی المقدمه، وجود دارد، اما وجوب آن بعنوان مقدمه، منوط به وجوب ذی المقدمه است پس در این صورت مدلول التزامی تابع مدلول مطابقی است؛ زیرا مقدمه با قطع نظر از وجوب ذی المقدمه وجود دارد و وجوب آن به جهت وجوب ذی المقدمه بود که با انتفاء آن نیز نفی می شود؛ زیرا واجب از مقدمه، همان حصه مقارن وجوب ذی المقدمه است.

اما بر خلاف این موارد و در لوازم تکوینی، حصه بودن، مقارن و متفرع بر وجود ملزوم است پس در حجیت از آن تبعیت نمی کند و حصه شدن آن مقید به ملزوم نیست.

آنچه مرحوم خویی فرموده اند فقط در قسم اول صحیح است در حالیکه کلام محقق نائینی در قسم دوم است. بنابر این در مثال نقضی که مرحوم خویی مطرح نموده بودند که بین شهادت بر ملاقات با خون داده که دلالت التزامی به نجاست داشت، چون دلالت التزامی مقارن مدلول مطابقی شکل می گیرد، در حجیت تابع آن نیست و مدلول التزامی پس از انتفاء مدلول

مطابقی باقی می ماند^۱ همچنین نفی ثالث مقارن وجود مدلول مطابقی وجود پیدا می کند پس در حجیت تابع مدلول مطابقی نیست.

^۱ مقرر: این مثال را نباید بر ما نحن فیه تطبیق نمود؛ زیرا در این صورت نقض بر محقق نائینی وارد می شود.